

پیشنهاد مدل تشکیل یک ابر شرکت بین‌المللی بالادستی نفت از درون شرکت ملی نفت ایران

بیژن مستقل • سردبیر |



و ابتکار عمل پیشروی ماست و صنعت نفت تشنه‌ی آنست.

در این مدل بسیار ساده ولی کارساز و عملی شرکت نفت حوزه‌ی امور داخل و خارج خود را دوگانه و متمرکز می‌کند؛ یک تقسیم سلولی به‌هنگام و کارساز برای چابکی و توسعه‌ی پرشتاب.

شاید نزدیک‌ترین مدل به آن، مدل نروژی Statoil در مقابل North Hydro باشد. وزارت اقتصاد و دارایی و وزارت نفت و بانک مرکزی با یک‌دیگر حساب خصوصی بین‌المللی می‌توانند مدیریت و چرخه‌ی نقدینگی این PIOC را شفاف کنترل کنند. چرخه‌ی اکتشاف و تولید و تجارت منابع هیدروکربنی در این شرکت بین‌المللی کامل است و البته مزایای آن می‌تواند به بخش داخلی شرکت نفت هم تسری داشته باشد و اصولاً در داخل شرکت نفت کار موازی انجام نمی‌شود. البته مدیریت امور بین‌المللی فعلی شرکت نفت می‌تواند به‌مرور با این ابر شرکت در تعامل پویایی قرار گیرد و در واقع یکی از مشتری‌هایش همین پسرخوانده باشد.

با ایجاد این شرکت می‌توان موج فوق‌العاده‌ای در انتقال علم و فن‌آوری، سرمایه و ثروت، اشتغال‌زایی و تعامل با جهان و در یک کلمه جهانی شدن ایجاد کرد. موقعیت کشور ما در منطقه و خاورمیانه در کنار رقبایی مثل عراق و عربستان از یک‌سو و سیاست توسعه‌ی انرژی‌محور آمریکا در این روزها

(Persian International Oil Company) که به اختصار به آن PIOC می‌گوئیم در مقابل مادر شرکت خود NIOC می‌تواند با انتقال بخشی از پرسنل مجرب فنی تمامی زیرمجموعه‌های شرکت ملی نفت ایران و نیز انتقال و تحویل بخشی از تجهیزات ضروری برای این شرکت و البته تحویل برخی از بلوک‌ها و میادین نفت و گاز به‌عنوان اعتبار جهانی آنها در مقابل سایر IOCها که وزارت نفت به‌عنوان متولی انفال را به آنها واگذار کرده و البته در چارچوب قانون نظارت می‌کند شکل گیرد.

سهام این شرکت از لحاظ نوع نگرش مدیریت بین‌المللی آن باید ابتدا به ساکن با حداکثر سهام متعلق به NIOC شروع شده و به تدریج به سمت حداکثر سهام‌داران بین‌المللی معطوف گردد. بازگشت سرمایه‌ی اولیه در یک دوره‌ی حساسی مشخص که از طرف NIOC به این شرکت (یعنی PIOC) انتقال یافته بود انجام شده و در دوران بلوغ این شرکت تحت نظر و سیاست‌های راهبردی وزارت نفت اما با نگرش و فضای بین‌المللی رشد می‌یابد. بدین ترتیب شرکت‌های E&P بالقوه‌ی فعلی نیز متولی و صحنه‌گردان مشخصی پیدا می‌کنند و بخش خصوصی ساختارمند و هدفمندی در کنار این پسرخوانده ایجاد می‌شود.

مأموریت اصلی این ابر IOC ایرانی باید هم‌آوردی با IOCهای جهانی و اصولاً ارزآوری در تجارت اکتشاف و تولید و خلق ارزش از طریق ورود به عرصه‌های جهانی باشد. بدین‌گونه است که خلق علم و فن‌آوری و ثروت با جهانی شدن هم‌راستا شده و حوزه‌ی بالادستی نفت پویا و پایا می‌گردد.

در این یک‌صد ساله در عمل فرصت اعمال چنین نگرشی در بدنه‌ی صنعت نفت شکل نگرفت. امروز این فرصت با کمی شجاعت

امروز بیش از هر چیز دیگری در حوزه‌ی تصمیم‌گیری و مدیریت در صنعت نفت. ضرورت زایش یک مادر شرکت بالادستی بین‌المللی نفت که با تمرکز بر بنگاه داری اقتصادی نوین بین‌المللی در تجارت اکتشاف و تولید مأموریت استحاله و شکوفایی پتانسیل بالقوه‌ای در صنعت بالادستی نفت را با رویکردی بین‌المللی و فرامرزی با قاطعیت و برنامه، بالفعل نماید و فرآیند پوست‌اندازی و بلوغ نهایی چرخه‌ی تجارت اکتشاف و تولید را پس از دوران گذار بیش از یک‌صد سال تکمیل کند احساس می‌شود. در واقع این مدل می‌تواند تنها راهکار عملی و ممکن در راستای بین‌المللی شدن در قالب تجمیع، توسعه و هدایت پتانسیل نهفته در صنعت نفت شامل دانش و تجربیات نیروی مجرب انسانی، تجهیزات و فن‌آوری‌های داخلی و اعتبارات تفویض شده از جانب وزارت نفت به این ابر شرکت بین‌المللی باشد که با مدیریتی حاذق، شجاعانه و با تدبیر پا را به عرصه‌های هم‌آوردی بین‌المللی بگذارد و پتانسیل این سد پر انرژی را در جامعه جهانی رها سازد.

با توجه به اختیارات قانونی وزارت نفت و البته همیاری مجلس و بخش حاکمیتی نظام، تکوین و زایش چنین شرکتی از درون شرکت ملی نفت ایران عملی خواهد بود. در واقع می‌توان گفت که "یک تقسیم سلولی ژنریک در ساختار شرکت ملی نفت ایران" می‌تواند راهکار توسعه و تکمیل مدیریت صنعت نفت از بنگاه‌داری با مدیریت درون‌گرا به بنگاه‌داری با مدیریت برون‌گرا باشد.

مدل تشکیل سازمانی این ابر شرکت بالادستی بین‌المللی (فرض کنیم با نام "شرکت بین‌المللی نفت و گاز پرشیا

بین‌المللی قدرت جابجایی پول و محصولات تولیدی در داخل و خارج را به ما می‌دهد. این همان جایی است که اگر شرکت PIOC مان توانست سرمایه را برای توسعه‌ی میادین داخلی فراهم کند خودش هم می‌تواند با سایر شرکاء آنرا محقق کرده و به همه‌ی اهداف خود برسد.

■ جذب، به کارگیری و اشتغال‌زایی از دو قشر نخبه‌ی در حال کار و صد البته نیروهای جوان تازه‌وارد و در کنار آن جذب نیروهای مهاجرت کرده به خارج از کشور. این مهم می‌تواند یکی از مطالبات اساسی ما از این شرکت بین‌المللی نوپا باشد که قطعاً در ارتقاء نیروهای کارآمد بسیار نقش آفرین خواهد بود. راهکار عملی پرورش مدیران آتی صنعت نفت، تجربه‌اندوزی آنها در تعاملات بین‌المللی است.

■ ارزآوری و انتقال دست‌آوردهای بین‌المللی به داخل صنعت و نیز هم‌افزایی با دانشگاه‌های داخل از طریق همکاری‌های بین‌المللی، مسیر را برای ورود دانشگاه‌ها و اندیشمندان ایرانی به فضای بین‌المللی باز می‌کند. این مهم طی سال‌های گذشته با مدیریت ستادی شکوفا نشده و مغفول مانده است. PIOC می‌تواند محمل اساسی این‌گونه تعاملات سازنده باشد؛ البته با برنامه‌ریزی، یک‌پارچگی و هم‌افزایی.

در واقع با این مدل، مدل توسعه و بین‌المللی شدن فعلی ستادی را به مدل واقعی صفت تبدیل می‌کنیم. یعنی باید پذیرفت که شرط توسعه و جذب سرمایه و ارتقاء نظام اقتصادی نفت و دوری از تب‌هلندی اقتصادی که تا به حال با همین مدل توسعه‌ی بالادستی با زیرمجموعه‌های داخلی و مدیریت درون‌گرای ستادی مانع برون‌رفت اقتصادی کشور از اقتصاد تک‌محوره‌ی نفت شده در سیستم نفت به خواب رفته و رویکرد فعلی بین‌المللی شدن ستادی نیست. این امر در عرصه‌ی عمل و جهانی شدن، ماهیت بنگاه‌داری واقعی بین‌المللی بالادستی را می‌طلبد.

و تولید منابع هیدروکربنی عراق را به خود اختصاص دهد که متأسفانه با ساختار فعلی این امر محقق نشد. البته در سایر کشورهای مطرح و هم‌جوار نیز وضعین به‌همین منوال بوده که ساختار جدید PIOC می‌تواند این خلأ را به‌طور ریشه‌ای برطرف کند.

■ ایفای نقش یک شرکت بین‌المللی واقعی در عرصه‌ی کسب و توسعه‌ی فن‌آوری‌های به‌روز جهان با مدیریتی متمرکز، سرمایه‌گذاری مستقیم برای دانش پایه و ارتقاء سطوح کسب فن‌آوری‌ها به‌طوری که با انتقال آن به بخش داخلی بتوان در جهت هم‌افزایی این مهم، گامی اساسی در سطح کشور برداشت. ایران با وجود توان و پتانسیل بالقوه‌ی خود عملاً در مدیریت و ساختار درون‌گرای ستادی و حتی در قالب قراردادهای نفتی قبلی به این سطح اطمینان‌بخش نرسیده که دلیل آن عدم ایجاد انگیزه‌ی واقعی یک شرکت بین‌المللی نفتی با پذیرش اقتصاد Risk - Reward در قالب NIOC بوده و ضروری است این مهم در ساختار یک IOC واقعی عملی شود.

■ راهکار عملی جذب سرمایه‌های بین‌المللی نیز در همین قالب و در جایی که دارایی‌های یک شرکت نفتی بین‌المللی توسط سهام‌دارانی بین‌المللی شناخته شده و سپس به‌عنوان سهام خریداری و پشتیبانی می‌شود شکل خواهد گرفت. اقتصاد پویای بالادستی در عرصه‌ی تعاملات بین‌المللی و در قالب قراردادهای باز

از سوی دیگر، این تصمیم مهم و ضروری را اجتناب‌ناپذیر خواهد کرد. می‌توان با این حرکت تشکیل نیم‌بند و ناکارای شرکت‌های E&P داخلی را قوام داده و جدی و عملی کرد. در این صورت است که این PIOC می‌تواند دامنه‌ی قراردادهای نفتی را در داخل و خارج کشور بسط داده و متناسب با دارایی هیدروکربنی خود رژیم قراردادی خدماتی صرف را شکانده و وارد قراردادهایی با سبک و مدل جهانی شود؛ حل مشکلی که نگاه بنگاه‌داری اقتصادی ما را در تعاملات جهانی متحول می‌کند.

با توجیه کلیاتی از این مدل سعی داریم انشاء... در شماره‌های آتی و با همکاری شما مدیران و صاحب‌نظران شرکت ملی نفت مدل تفصیلی ارائه کنیم.

آنچه در حوزه‌ی بین‌المللی می‌تواند مطالبات بخش بالادستی از این شرکت باشد عبارتند از: ■ صدور دانش فنی و تجربیات ذی‌قیمت نیروی انسانی مجرب بدنه‌ی صنعت نفت در بازارهای جهانی که متأسفانه در خلال این سال‌ها نتوانسته مثل دیگر کشورهای قدیمی (و حتی کشورهای نوظهور) جایگاه اساسی خود را در بخش بالادستی برون‌مرزی به‌دست آورد. مثلاً ایران در فرصت بعد از اشغال عراق توسط آمریکا، با حضور خود در ایجاد امنیت و توسعه‌ی امور این کشور می‌توانست با تمرکز مناسب، سهم زیادی از زنجیره‌ی توسعه

